

## ده پیام مردم یونان به جهانیان

در همه پرسى ۵ جولای ۲۰۱۵ مردم یونان یکجواب ردِ جانانه به اولیکارشی مالی - سیاسی اروپا و یک پیام اُ مید وارکننده به مردم جهان داد.

۱ جواب نی به ریاضت اقتصادی / نی به اروپای افتاده درگرو بانک ها واولیگارشی مالی فاسد ظالم و خودخواه.

سیاست ریاضتی از دیدگاه اقتصادی نا کارا/از نظراجتماعی فاجعه بار واز لحاظ سیاسی پُر هزینه است. این سیاست که بر کاهش مصارف اجتماعی / تقلیل معاشات و حقوق بازنشستگی/ برچیدن خدمات اجتماعی منجمله آموزش وصحت/ پامال کردن قانون کار و دست آوردهای اجتماعی است لاجرم به پایان آمدنِ قدرت خرید مردم و کاهش مصرف در اجتماع می انجامد. که این خود باعث کاهش تولید عمومی و جلوگیری از احیا و رشد اقتصاد در کشور میشود.

۲ بلی به اروپای اجتماعی/ مردمی / و اروپای برابری . در شرایط بحران /کشورها باید یک سیاست New Deal را روی دست گرفته به سرمایه گذاری های هنگفت اقدام ورزیده اقتصاد را احیا نمایند. گامهای حمایتهای اجتماعی باید برداشته شوند ولایه های آسیب پذیر جامعه تحت حمایت قرار گیرند. به همین ترتیب یک افزایش در معاشات حد اقل / یک میکانیزم سالم را براه انداخته مصرف در خانواده هارابند می برد/ به این ترتیب فرمایشات به موسسات

تولیدی تراکم کرده و این موسسات مجبور به استخدام میگردند/ در نتیجه درآمد دولت / از یک طرف از طریق جمع آوری مالیه از موسسات فعال و افراد صاحب کار و از جانب دیگر از طریق کم شدن پرداخت تخصیصیه ها برای بیکاران/ افزایش می یابد. و این درآمد ها میتوانند در امر خدمات اجتماعی به مصرف برسند.

۳ نی به دیکتاتوری مالی/نی به اخطارها و تهدیدها/ نی به « مثلث » مالی و بالأخره نی به تروریزم سیاسی اقتصادی مالی و رسانه ای و همه انواع تهدید ها.

یک امر کاملاً غیر مجاز است که کمیسیون اروپایی متشکل از تکنوکراتهای انتخاب نشده که هیچ گونه مشروعیت از جانب مردم را بدست نیاورده و نماینده هیچ کس نیستند در مورد سیاست اقتصادی - اجتماعی یک ملت مستقل تصمیم بگیرند. این کار یک ضربه به دموکراسی و مورد سوال قرار دادن حق انفکاک ناپذیر یک ملت به خود مختاریست.

۴ آری به استقلال و اراده مردم که مقدس است و به آزادی و کرامت آنها. یونانی ها یک حکومت مترقی را زیر رهبری الیکسیس سیراس و حزب سیریزا به قدرت رساندند. آنها برای یک پروگرام احیای اقتصادی/ ضد ریاضتی و تقویت حمایتهای اجتماعی رای دادند/ هیچ نهادی حق مداخله در تصمیم یک ملت مستقل و آزاد را ندارد.

۵ نی به پرداخت قرضه های نا حق که محاسبه آن بر مبنای منطق ریاضی استوار نبوده و قابل پرداخت نیست و مقصد از آن به برده گی کشاندن ملتها و ارضای اشتهاهی سیری ناپذیر موسسات مالی بین المللی است.

سیستم مالی فعلی اروپایی چنین است که بانک مرکزی اروپا حق ندارد که با ربحی که به بانکهای خصوصی قرضه اعطا میکند مستقیماً به دولت‌ها نیز به عین ربح قرضه بدهد. ربح قرض بانک مرکزی به بانکهای خصوصی بین ۰ و ۱٪ است. اگر این ریفورم تصویب شود که بانک مرکزی بتواند به دولت‌ها مستقیماً قرضه بدهد/ یونان میتواند وام‌های خود را پرداخت نماید. در حال حاضر یونان مجبور است از بانکهای ربا خوار خصوصی پول دریافت کند که ربح آن تا ۱۸٪ میرسد. همان پولی را که باریج کمتر از ۱٪ گرفته اند با ربح ۱۸٪ دوباره به قرضه میدهند.

۶ بلی برای حسابرسی بین المللی قرضه های عمومی / به تجدید مذاکرات و به لغو بدهی های نامشروع. از نظر کمیسیون حقیقت یاب درباره وامهای عمومی یونان « وام های که مطابق به معیار های مثلث مالی به یونان پرداخته شده است یک تجاوز علنی به حقوق بشری و بنیادی اتباع یونان است.

به این ترتیب ما به این نتیجه رسیدیم که یونان بخاطر مشخصات غیر قانونی/ نامشروع و نفرت انگیز این قروض نباید این بدهی هارا بپردازد. چگونگی بدهی های عمومی یونان از آغاز/ برای قرضه دهنده گان و مقامات یونانی و رسانه های بزرگ جهان معلوم بود/ اما در سال ۲۰۱۰ حکومت یونان و چند کشور دیگر اروپایی باهم گرد آمدند و بخاطر حمایت از موسسات مالی خصوصی/ تجدید ساختار وامهای عمومی یونان را رد کردند. رسانه های رسمی بزرگ حقیقت را از اذهان عامه کتمان کرده گفتند که پلان نجات برای یونان مفید خواهد بود. بالاخره این ایده را شایع ساختند که مردم یونان زیان حماقت خود را میپردازند.»

۷ نی به تراکم ثروت/ به خودخواهی و فردگرایی. اروپایی امروز جنت ثروتمندان و جهنم برای مردم آنست. اروپا امروز تصویر کامل این گفته ولتر است که میگفت: « یک جامعه درست

سازمان یافته آنست که یک گروه کوچک گروه بزرگ را بکار اندازد / توسط آن امرار حیات کند  
و بر این گروه حکومت کند»

۸ آری به توزیع عادلانه ثروت ها و به همبستگی برای دفاع از منافع عامه در اروپا. بحران امروزی ناشی از کمبود عواید نیست زیرا اروپا در تاریخ خود هیچگاه مانند امروز ثروتمند نبوده است. پس عاجل است که به توزیع عادلانه ثروت ها اقدام شود و مسأله کرامت انسانی در مرکز پروژه اروپا قرار گیرد.

۹ نی به دیکتاتوری قدرتهای بزرگ. یونان / گهواره دموکراسی / به اروپا و جهان هوشدار

Maximilien Robespierre را گوشزد میکند. این قهرمان انقلاب فرانسه که از آغاز طرفِ فرودستان را اختیار کرده بود / «یوغ اریستوکراسی ثروتمندان را که غیر قابل تحمل ترین زجرهاست» محکوم کرد. «ثروتمندان ادعای تصاحب هر چیز را دارند، آنها میخواهند به همه چیز حمله ور شوند و بر آنها تسلط حاصل کنند. سو استفاده کار و ساحه فعالیت ثروتمند است، آنها برای مردم مصیبت می آفرینند.

منافع مردم منافع عامه است و منافع ثروتمندان منافع خصوصیت»

۱۰ آری به طغیان ضد بی عدالتی. به قیام مدنی و صلح آمیز و مقاومت بر ضد ظلم. مردم محکوم به بیتفاوتی و قبول شرمساری نیستند / آنها حق و قدرت آنرا دارند که سرنوشت خود را بدست گیرند. بد بختی یک ناگزیری نیست بلکه یک تصمیم سیاسیت که توسط نخبه کان درنده و سیری ناپذیر بر مردم تحمیل میشود. وقت آن رسیده است که توده ها محروم و رانده شده ها علیه وحشیگری های سازمان های مالی جهانی به پا خیزند.